



یادداشت یک پژوهشگر و نویسنده کودک درباره دلایل فراگیر نبودن کانون بین کودکان امروزی

## طرح‌هایی که کارآمد و پیگیرانه نیست

جمال اکرمی | پژوهشگر و نویسنده کودک و نوجوان



مراکز کانون پرورش، پناهگاه اصلی کودکان علاقه‌مند به هنر و ادبیات است و در این میان کتابخانه‌های سیار روستایی نیز در گستره‌ای نه چندان قابل توجه به کار خود برای دسترسی کودکان روستایی به کتاب ادامه داده‌اند. طرح «کانون مدرسه» که با هدف ایجاد ارتباط عمیق‌تر میان کانون پرورش و آموزش و پرورش طراحی شده بود، نیز به دلیل وجود کاستی‌های جدی در نظام آموزش و پرورش و بدنه نفوذپذیر آن نتوانست کودکان و نوجوانان بیشتری را به لذت خواندن رو به‌ر و کند و به طرحی نه چندان کارآمد تبدیل شد و به نتیجه قابل قبولی نرسید. در زمینه مشکلاتی که در حوزه فعالیت‌های کانون پرورش و مراکز فرهنگی هنری این روزها وجود دارد باید به این مهم اشاره کرد که اکنون جا به جایی پیاپی مدیران انتصابی با دستاوردهای نه چندان درخشان، کمبود سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ و هنر، کاهش دوره‌های آموزش مربیان فرهنگی و هنری، دست‌زدنه چندان قابل توجه کادرهای پایین‌تر و رشد نکردن کمی کتابخانه‌ها گریبان کانون پرورش را گرفته است. از سوی دیگر برپایی فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ و کانون‌های هنری و ادبی دیگر از اهمیت وجودی مراکز کانون پرورش کاسته است به گونه‌ای که کانون پرورش دیگر نتوانسته است شکوه‌مندی‌های گذشته خود را تکرار کند. هرچند دلسوزی‌های مربیان و کارشناسان، کتاب‌داران و کارکنان اداری آن همواره در کنار کودکان و لذت خواندن آن‌ها قرار داشته است.

باشد. کانون باید مایه‌های اصلی تربیتی را که خانواده‌ها به هر دلیل نتوانسته‌اند به بچه‌ها بدهند در آن‌ها ایجاد کند یا این که مایه‌هایی را که ضعیف است در آن‌ها تقویت کند. حتی اگر خانواده وظایف خودش را هم انجام داده باشد، باز کانون می‌تواند آن را تقویت کند. به همین منظور مربیان کانون باید به عنوان یکی از برنامه‌های خوب مراکز فرهنگی هنری، مدام با خانواده اعضا در تماس باشند. این کار به‌ویژه در خصوص کودکان اصلاحی، از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر من کانون برای ایجاد نقش مکمل خانواده باید شرایط حاکم بر فضای مراکز خودش را به فضای خانواده‌ها نزدیک کند و گر نه چنین نقشی در حدیک شعار باقی خواهد ماند.

در این سو، والدین و خانواده چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟ در یک جمله باید گفت والدین می‌توانند کودکان خود را ترغیب کنند از خدمات و فعالیت‌های کانون و تولیدات آن استفاده کنند. درست است که کانون یک نهاد دولتی است اما مشارکت مردم به‌ویژه خانواده‌ها در حمایت از فعالیت‌های آن یک ضرورت حیاتی است. منظور از مشارکت خانواده‌ها کمک مالی نیست بلکه بیشتر حمایت معنوی و استقبال از فعالیت‌های آن است. متأسفانه یکی از دلایل خلوت بودن مراکز کانون به خصوص در ایام تحصیل، ممانعت والدین اعضا از آمدن آن‌ها به مراکز است. این دسته از والدین گمان می‌کنند اگر فرزندان‌شان به کارهای هنری، کتاب خوانی و ... روی بیاورند از درس عقب می‌مانند، در حالی که تجربه نشان داده است این نوع فعالیت‌ها روی پیشرفت تحصیلی کودکان و نوجوانان تأثیر مثبت دارد. منظور از معرفی کانون به خانواده‌ها صرفاً کار تبلیغاتی در سطح رسانه‌ها نیست بلکه باید در برنامه‌های آموزشی مدارس و در انجمن‌های اولیا و مربیان ارزش کار کانون نه صرفاً به عنوان یک سازمان بلکه به عنوان فعالیت‌های غیررسمی تربیتی در اوقات فراغت به والدین معرفی شود تا آن‌ها فرزندان‌شان را ترغیب کنند از این امکانات دولتی که از بودجه خودشان فراهم شده و اداره می‌شود، استفاده کنند. متأسفانه بسیاری از والدین تنها رسالت خود را ترغیب فرزندان‌شان به درس خواندن و کسب نمره‌های بالا می‌دانند. پرداختن به کارهای هنری و ادبی و خواندن کتاب، نه تنها به پیشرفت درسی فرزندان آن‌ها کمک می‌کند، بلکه سایر جنبه‌های رشدی کودکان را هم در برمی‌گیرد. پرورش یک بعدی کودکان و تقویت آن‌ها از لحاظ درسی و هوشی، بچه‌ها را نامتعادل باری می‌آورد. بچه‌ها نیازهای متفاوتی دارند که درس خواندن تنها بخشی از نیاز آنان است. والدین باید بدانند تربیت به طور عمده در اوقات فراغت و در قالب فعالیت‌های خلاقانه، دلخواه و انتخابی ممکن است.

بررسی تأثیر کانون‌های پرورش فکری بر کودکان امروزی در گفت‌وگو با یک کارشناس بازنشسته این نهاد

## کانون باید مددکار تربیتی خانواده‌ها باشد

کودکان دیروز همه موفقیت‌شان در گرفتن نمره ۲۰ خلاصه می‌شد. حالا زمانه تغییر کرده و ارزشیابی «بسیار خوب» حد اعلای موفقیت کودکان شده است. چه با ۲۰ و چه با بسیار خوب، اساس آموزش به کودکان می‌لنگد، زیرا پرورش خلایق و نوآوری در میان توده‌ای از اطلاعات متنوع ریاضی و علوم و تصایح زمخت و پای کم‌رنگی دارد. پنج دهه پیش کارشناسان تربیتی نقطه‌آشیل آموزش کودکان را یافتند و بر آن شدند تا با تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف ترویج کتاب‌خوانی و پرورش فکری نسل آینده، گامی موثر در این زمینه بردارند. به حق این نهاد هم در ابتدای کار به خوبی عمل کرد و دهه هفتادی‌ها، کم و بیش با این مجموعه آشنا شدند و از خدماتش بهره‌بردند اما حالا برای مان این سوال پیش می‌آید که چرا با بیش از ۵۰ دهه فعالیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سایش بر سر تمامی کودکان این سرزمین پهن نشده است؟ به همین دلیل با «غلامرضا کیومرثی»، کارشناس امور تربیتی و بازنشسته کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

قصه‌گویی اخیر بود که با تبلیغات زیادی در رسانه‌ها همراه بود که البته من آن را خیلی لازم نمی‌دانم. یکی از مشکلات کانون، از همین جا ناشی می‌شود که برخی مدیران استان‌ها تلاش می‌کنند فعالیت‌های مراکز را پیش از آن چه هست نمایش دهند و به کارهای تبلیغاتی، جشنواره‌ای، همایشی و فعالیت‌های پرسر و صدای می‌آیند و اصل کار در کتابخانه‌ها یا مراکز را فدای این تبلیغات می‌کنند. فعالیت‌های کانون در مراکز فرهنگی اگر درست انجام شود، همگی محتوایی و کیفی است و طوری نیست که اثر آن در سطح جامعه فوری دیده شود یا نیازی به نمایش داشته باشد. آن دسته از مدیران استان‌ها که فعالیت‌های کانون را به صورت تبلیغاتی نمایش می‌دهند، ممکن است دو هدف داشته باشند، دسته‌ای برای جذب بودجه و دیگری جلب نظر خانواده‌ها که این بد نیست البته اگر گزارش واقعی از فعالیت‌های خود بدهند و گزارش‌سازی نکنند.

به نظر شما کانون پرورش فکری برای رونق بیشتر چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

به نظر من یکی از وظایف مهم کانون که شاید در اساسنامه هم چندان جدی مطرح نشده، پر کردن جاهای خالی تربیتی است که خانواده‌ها توان و امکان اجرای آن را ندارند یا از روی ناآگاهی و بی‌توجهی از کنار آن می‌گذرند. برای این منظور باید کمبودهای خانواده‌ها را در زمینه غنای لحظات فراغت فرزندان‌شان شناخت و برای مدد رساندن به آن‌ها در ایفای نقش واقعی‌شان برنامه‌ریزی کرد. در اجرای این وظیفه تربیتی، کانون نباید جانشین خانواده شود بلکه باید مددکار آن

همه ما به تأثیری که کانون به عنوان یک سازمان فرهنگی در شکوفایی رشد و بالندگی استعداد کودکان دارد، واقف هستیم و گواه آن بررسی زندگی بسیاری از هنرمندان، شاعران جوان و نویسندگان فعلی است اما مسئله‌ای که نظر ما را جلب می‌کند کاهش تأثیر فعالیت‌های کانون پرورش فکری در زندگی کودکان امروزی است. به نظر می‌رسد کانون مخاطبان‌ش را از دست داده است یا بهتر بگویم کودکان با چنین نهادی آشنا نیستند. شما این ضعف را چگونه می‌بینید؟ این فرض که کانون اکنون مخاطبان خود را از دست داده است، درست نیست اما این که این تعداد مراکز و امکانات آن‌ها برای پاسخ‌گویی به نیاز مخاطبان کافی نیست، یک واقعیت است. از طرفی بدیهی است با افزایش جمعیت و ثابت ماندن کتابخانه‌ها یا مراکز فرهنگی هنری کانون، گستره خدمات آن کمتر به چشم خواهد آمد. این نکته هم قابل ذکر است که در یک بازه زمانی کوتاه و چندساله تقریباً اغلب مدیران و کارشناسان کانون اعم از مدیرعامل، معاونان، بسیاری از کارشناسان خبره و حتی مربیان توانا بازنشسته شدند و یکبار به برخی از استان‌ها افراد جدیدی سر کار آمدند که متأسفانه جمعی از آن‌ها اصلاً به کار کانون و حتی کار برای کودکان آشنا نیستند و این موضوع قطعاً به روند قبلی فعالیت‌ها آسیب زده است.

البته برخی معتقدند ناآشنایی نوجوانان با فعالیت‌های کانون پرورش فکری به سبب ضعف در تبلیغات آنان است، نظر شما چیست؟ اتفاقاً من معتقدم اکنون در خیلی از استان‌ها کانون بیش از آن که به کار محتوایی و کیفی بپردازد، کار تبلیغاتی می‌کند. نمونه‌اش همین جشنواره

چرا باید جایگاه کانون پرورش فکری در زندگی کودکان و نوجوانان پررنگ باشد؟

# مرغکی که دیگر روی شانه کودکان نمی‌نشیند!



مینا چوپانی

پرونده

بوی تعطیلات تابستانی به مشام می‌رسد و مهم‌ترین دغدغه والدین در این روزها، این است که چطور برای اوقات فراغت فرزندان‌شان برنامه‌ریزی کنند تا و تمام وقتش را پای بازی رایانه‌ای ننشینند و به عبارتی دیگر، هدر ندهد. حالا که فشار روانی کسب نمره بهتر از روی کودکان بعد از پایان امتحانات برداشته شده، بهتر آن است که قدری به پرورش فکر و خلاقیت کودکان مان بیندیشیم. قطعاً پر کردن زمان او با کلاس‌های گوناگون فرسایشی، راه حل نیست. یکی از گزینه‌های پیش‌روی والدین، مراکز فرهنگی کانون پرورش فکری است که در این مرکز ضمن بهره‌بردن از کلاس‌های فرهنگی، هنری و کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان، پای کودکان به با توفیق ایمن و سالم باز خواهد شد اما متأسفانه به نظر می‌رسد بسیاری از والدین با این مراکز آشنا نیستند یا به دلایلی، دیگر از این مراکز استفاده نمی‌کنند. البته انتظار می‌رفت با نیم قرن تلاش، مرغک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بر شانه تمامی کودکان بنشیند و اگر چه آثار منتشر شده از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رقم قابل توجهی است اما با توجه به گسترش جمعیت، کافی به نظر نمی‌رسد. این نهاد ۷۹۰ مرکز فرهنگی و هنری ثابت برای تمامی کودکان و ۴۰ مرکز فراگیر برای کودکان با نیازهای خاص فراهم کرده و بیش از ۱۷۰ مرکز سیار روستایی و شهری برای دسترسی کودکان در مناطق محروم در نظر گرفته است اما این آمار در زندگی کودکان آن طور که باید انعکاسی نیافته است. اهمیت حضور ملموس کانون در زندگی کودکان امروزی از آن نظر است که متأسفانه والدین در طول سال و به خصوص در روزهای تعطیلی تابستان برای پر کردن اوقات فراغت بچه‌ها ترجیح می‌دهند از خدمات کلاس‌های پر زرق و برق استفاده کنند که ذهن بچه‌ها را محل انباشت اطلاعات بی‌فایده با هزینه زیاد می‌کند اما فعالیت کانون کاملاً بر مبنای رشد استعداد بچه‌هاست و هزینه به مراتب کمتری هم دارد. در کانون بچه‌ها دنبال کشف می‌روند و برای همین باید با این نوع فعالیت‌ها مانوس باشند؛ در حالی که برای کانون در زندگی‌شان کمتر حس می‌شود. از همین رو بر آن شدیم به بررسی فعالیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه‌های اخیر بپردازیم و نقشی را که این کانون با کمک والدین می‌تواند در پرورش کودکان این خاک و بوم داشته باشد، بررسی کنیم.

آشنایی بیشتر با مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

## خدمات پر تعدادی که نشنیده‌ایم!

این مراکز که با عنوان مراکز «فراگیر» فعالیت می‌کنند و تعداد آن‌ها به بیش از ۴۰۰ مرکز در کشور رسیده است، در حال پیشرفت هستند. در ضمن هم اکنون بیش از ۱۷۰ مرکز سیار شهری و روستایی با هدف ارائه خدمت به بچه‌های مناطق روستایی و محروم شهری طراحی و راه‌اندازی شده است و طرح امانت کتاب از طریق پست توسط مربیان بیش از ۵۶ کتابخانه پستی در کشور انجام می‌شود. این مربیان علاوه بر ارسال کتاب، پاسخ‌گویی پرسش‌های فرهنگی، علمی، ادبی و ... بچه‌ها نیز هستند. **راه‌اندازی مجتمع‌های بزرگ فرهنگی و هنری** با گسترش فعالیت‌های کانون در دهه ۷۰، «مجتمع‌های بزرگ فرهنگی و هنری» در بیشتر شهرها راه‌اندازی شد. این مجتمع‌ها به عنوان مراکز اصلی هدایت کتابخانه‌ها و مراکز دیگر فعال که خدمات متنوعی را در اختیار اعضا، مربیان و کارکنان کانون هر استان قرار می‌دهد، شروع به کار کردند. سالن‌های آمفی‌تئاتر و کنفرانس، سالن نمایشگاهی برای برگزاری جشنواره‌ها، همایش‌ها و نمایشگاه‌های کانونی و غیر آن، بازارچه کودک، موزه کودک، کارگاه‌های هنر خلاق، تفکر خلاق و کانون زبان از بخش‌های مهم این مراکز است که در سال‌های اخیر در حال به‌روزرشدن هم هست. بخش دیگری از فعالیت‌های کانون در حوزه شناسایی و پرورش استعدادها، فرهنگی، هنری و علمی کودکان و نوجوانان، در چند مرکز تخصصی همانند «مرکز صدونجوم»، «علوم ونجوم»، «مرکز سفال» (سوفال)، «موزه تاریخ» و «موزه کودک» دنبال می‌شود که با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت، می‌توانید آدرس این مراکز را در شهرتان پیدا کنید.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، یک سازمان دولتی است که چند دهه قبل به منظور بالابردن دانش و خلاقیت کودکان و نوجوانان تأسیس شد. آن زمان با احداث اولین کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان، یکی پس از دیگری کتابخانه‌های کودک در سطح پایتخت و کشور برپا شد به طوری که اکنون ۷۹۰ مرکز ثابت برای تمامی کودکان وجود دارد. در همان آغاز، کتابخانه‌های سیاری در نظر گرفته شد تا با ایجاد دسترسی آسان به کتاب، شوق کتاب‌خوانی را در میان کودکان و نوجوانان جوانه بزند. کانون پرورش فکری وظایف گسترده‌تری داشت که آهسته به سمت و سوی آن گام برداشت و علاوه بر گسترش کتابخانه‌های تخصصی کودک و مراکز فرهنگی در کشور، به فعالیت‌های تولید محصولات دیداری، شنیداری و برگزاری جشنواره نمایشگاه و آموزش زبان‌های خارجه ورود کرد.

**خدمات جالب و پر تعداد کتابخانه‌های این مراکز**

جالب است بدانید کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان صرفاً مکانی برای امانت کتاب نیست. این مراکز با مربیان مجرب به فعالیت‌های ادبی، فرهنگی و هنری مانند نقد کتاب، داستان‌نویسی، شعر خوانی، قصه‌گویی، فیلم‌سازی، نقاشی، خوشنویسی، آشنایی با شخصیت‌های علمی، هنری، تاریخی ایران و جهان، آشنایی با سرزمین‌ها، قوم‌ها، ملت‌ها و نژادها، برگزاری مسابقه در کنار برگزاری نمایشگاه‌های گوناگون، بازدیدهای گروهی و ... می‌پردازد. همچنین با تغییر کاربری برخی مراکز کانون در سال‌های اخیر، امکان حضور بچه‌های نابینا، کم‌بینا، ناشنوا، کم‌شنوا و دارای نیازهای ویژه در کنار دیگر اعضای کانون فراهم شده است.

